

هفت بلاهای آخر و سرود غالب

¹ و علامتِ دیگرِ عظیم و عجیبی در آسمان دیدم: یعنی هفت فرشته‌ای که هفت بلای دارند که آخرین هستند، زیرا که به آنها غضبِ الهی به انجام رسیده است.² و دیدم مثال دریایی از شیشه مخلوط به آتش و کسانی را که بر وحش و صورت او و عددِ اسم او غلبه می‌یابند، بر دریای شیشه ایستاده و بریطهای خدا را بدست گرفته،³ سرود موسی بنده خدا و سرود برّه را می‌خوانند و می‌گویند: عظیم و عجیب است اعمال تو، ای خداوند خدای قادر مطلق! عدل و حق است راه‌های تو، ای پادشاه امت‌ها!⁴ کیست که از تو نترسد،

خداوند، و کیست که نام تو را تمجید ننماید؟ زیرا که تو تنها قُدّوس هستی و جمیع امت‌ها آمده، در حضور تو پرستش خواهند کرد، زیرا که احکام تو ظاهر گردیده است!

⁵ و بعد از این دیدم که قدس خیمه شهادت در آسمان گشوده شد،⁶ و هفت فرشته‌ای که هفت بلا داشتند، کتانی پاک و روشن دربر کرده و کمر ایشان به کمر بند زرّین بسته، بیرون آمدند.⁷ و یکی از آن چهار حیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرّین داد، پر از غضب خدا که تا ابدالآباد زنده است.⁸ و قدس از جلال خدا و قوّت او پُر دود گردید. و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید، هیچ کس نتوانست به قدس درآید.